

## نمادشناسی رنگ قرمز در هنر ترکمن

روح افزا قدوسی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله به منظور بررسی هنر ترکمن و علل حضور چشمگیر رنگ قرمز در آن صورت گرفت، عاملی که به همراه نقوش خاص، مشخصه صنایع دستی این قوم بزرگ شده است. حال باید یک قدم فراتر رفت و رموز نهفته در پس آن را شناسایی کرد. قرمزی که در فرش، پوشاک و اکثر صنایع دستی ترکمن به چشم می آید و امروزه چه برای ما که به عنوان بیننده و مصرف کننده، طالب آن هستیم و چه برای بافنده که آن را بنا به سنت پیشین به کار می گیرد، روزگاری عواملی باعث استفاده از این رنگ شده است و مفاهیم نهفته درونی، آن را تا به امروز پا بر جا نگه داشته است.

علاوه بر منابع کتابخانه‌ای، حضور در میان این قوم و آشنایی با فرهنگ و صنایع دستی آنان، راهی برای قرارگیری در مسیر شناسایی است. مجموعه دلایل به دست آمده، صرفاً دلایل مکتوب در کتب نیستند و استنباط و در نظرگیری بسیاری مسائل، فرضیه‌هایی را پیش روی ما باز می کنند. محیط زندگی، جنگ‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی ترکمن، بر فرهنگ و هنر این قوم اثر گذاشته و نمود آن را در ادبیات و هنر ترکمن، به خصوص به کارگیری رنگ قرمز شاهد هستیم.

**کلید واژه:** ترکمن، قرمز، هنر، سنت.

### مقدمه

رنگ زندگیست، روح دارد، از نهان آدمی پرده بر می دارد، از راز و رمز او سخن می گوید. رنگی که خلعت اوست، رنگی که با آن نقش می زند، او را هویدا می کند، هستی بدون رنگ معنا ندارد. رنگ‌های به کار رفته در طبیعت، جنگل، دریا، گل‌های طرب‌انگیز، رنگ‌های آرامش بخش آسمان، سرخی‌های سوزان غروب، قرمز قهوه‌ای‌های طلایی برگ‌های خزان، رنگ‌های حاکم در قالی ترکمن، البسه او و هر آنچه از ذوق و دست او حاصل شود، همه انسان را به تفکر وادار می دارد و در سایه‌ی این تفکر، به مفاهیم نهفته در هنر او پی می برد. با کشف رموز پنهانی نقوش و رنگ‌ها، به عمق زیبایی هنرشان و زندگی درونی آنان می رسد. «ترکمنها شاخه‌ای از ترک‌های آسیای میانه‌اند و در بخش جنوب غربی آسیای مرکزی (جمهوری ترکمنستان)، نواحی شمالی ایران (ترکمن صحرا)، افغانستان و چند گروه آنها در عراق و ترکیه زندگی می کنند. مردم این قوم از چندین گروه بزرگ تباری تشکیل شده‌اند که عبارت‌اند از: قبایل یموت، گوکلان، تکه، سالور، ارساری، ساریق و چودر. هر یک از این قبایل به تیره‌ها و زیر تیره‌ها و طوایف کوچک تقسیم می شوند. با این وجود تمام این گروه‌ها دارای زبان و سنت‌های فرهنگی مشابه‌اند. پاره‌ای نویسندگان، به ویژه در اسناد تاریخی، آنها را «غز» یا «اوغوز» نامیده‌اند؛ زیرا اوغوزخان نیای مشترک آنان به شمار می آید.» (کنعانی، ۱۳۸۳: ۹۰)

ترکمن‌های ایرانی و تمامی ترکمن‌های ساکن در آسیای مرکزی، مسلمان، اهل سنت و حنفی مذهبند. ترکمن‌ها در قرن دهم میلادی و در پی گسترش فتوحات مسلمانان در آسیای مرکزی، به اسلام روی آوردند. حتی در مورد استفاده از کلمه‌ی ترکمن، گفته شده است که این واژه به دنبال مسلمان شدن آنها در اواخر قرن دهم میلادی به کار رفته است. «ترکمن‌ها تا قرن دهم و یازدهم



میلادی به نام اوغوز معروف بودند، اما پس از پذیرش اسلام، اوغوزهای مسلمان به وسیله اوغوزهای غیر مسلمان، ترکمن نامیده شدند» (کنعانی، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

در کتاب «تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها» به سنتی از اوغوزها اشاره شده است: «[اوغوزها] برای افراد اشراف و نیکوکار آلاچیق‌های رنگی (قرمز) و برای بدکاران چادرهای سیاه (قراوی) برپا می‌کردند». (گلی، ۱۳۶۶: ۴۰)

توجه اوغوزها به خصیصه نیکی و بدی، ریشه در اعتقادات دارد و سنت قبل از اسلام آنان را بیان می‌کند. بنابراین برای قرمز تقدس قائل بودند و بیانگر پاکی بوده است.

### رنگ قرمز در هنر ترکمن

افراد ایل تکه بهترین فرش‌های ترکمنی را می‌بافند. فرش‌های آنها دو پود بوده و با گره ترکی بافته می‌شوند. تارها و گاهی تمام الیاف فرش را از ابریشم می‌بافند. دست بافته‌های مرغوب خود را که به گونه‌ای سنتی بافته‌اند، به فروش نمی‌رسانند و به عنوان جهیزیه برای دختران خود نگه می‌دارند. خانوارهای ایل تکه ساکن در ایران، در روستاهای شمال خراسان (جرگلان) و همچنین در روستاهای بخش کلالة در شمال شرقی استان گلستان زندگی می‌کنند. نسبت شهر نشینی در میان این ایل، پایین است و شاید همین عامل باعث رونق فرش آن‌ها شده است، به دلیل آنکه نسبت به دیگر اقوام، از تأثیرات شهر نشینی به دور بوده‌اند و باعث شده تا ویژگیهای اصیل فرش ترکمن در آن‌ها باقی بماند.

«در نمونه‌ای از قالی بافته شده در روستای دویدوخ از قوم تکه، فرش ابریشمی دو رویی است که یک طرف آن رنگ قرمز گرم و آتشین داشت که حرارت صحرای ترکمن را تداعی می‌کرد و سمت دیگر آن قرمز لاک‌ی و پخته‌ای همراه با سبزی خاص داشت که شاید تجلی آرزوهای ترکمن در دشتهای به محصول نشسته باشد». (اصغری، ۸۰-۱۳۷۹: ۶۰)

در ادبیات و افسانه‌های رایج بین ترکمنان، اشاراتی به رنگ قرمز شده است و این امر حاکی از جایگاه بالای آن نزد آنان است. «ادبیات ترکمن به طور عمده شفاهی است. در ادب عامیانه ترکمن اشاره‌هایی به زندگی قدیم، دوره‌ی ترکتازی، شکار با پرندگان شکاری، دزدیدن همسر از میان قبیله یا طایفه‌ای دیگر (که نشان رسم برون همسری در میان این قوم است)، عشق‌های سوزان صحرایی، تنهایی مادران به هنگام سفرهای دور و دراز همسران و ستم‌های چند گانه‌ی بی‌که متحمل می‌شده‌اند، رسم‌های آنان زگهواره تاگور، صبر و بردباری زندگی صحرا نشینی، جوانی‌های پر نیرو و پیری‌های زار، فال زنی از پرواز پرندگان، صدای حیوانات و به خصوص شیبه‌ی اسب، باروری گوسفندان، پشم چینی، شیر دوشی، رشتن و بافتن و قصه گفتن و لالایی خواندن دیده می‌شود. چیزی که کمتر در آن دیده می‌شود تاریخ است. چادر نشینان معمولاً تاریخ نویسی ندارند». (حصوری، ۱۳۷۱: ۱۰)

روایتی از ایلات ترکمن بر جای است که اگر چهل دختر دوشیزه نابالغ، سجاده‌ای ببافند و فردی دو رکعت نماز حاجت با نیت خالص بر روی آن بخواند، حاجتش بر آورده می‌شود. این سجاده‌ها بیشتر در موقع نماز به کار می‌روند و با رنگ‌های تیره قرمز دانه و نیل رنگ آمیزی می‌شوند.

در اسطوره‌ای از قوم ترکمن، گویند در گذشته‌ای دور، پادشاه وقت به دختر ترکمنی علاقه مند به دختر ترکمنی بود و زمانی که متوجه دل بستن او به پسری شد، دستور داد دختر را زندانی کنند. پسر هر روز رشته‌هایی از پشم را با پرده‌ای به نزد دخترک می‌فرستاد. پرده پشم را از پنجره زندان به داخل، برای او می‌انداخت. دختر شروع به بافتن قالیچه‌ای کرد. زمانی که پادشاه متوجه این امر شد، دستور مراقب از او را داد تا مشخص شود چه کسی به سراغ او می‌آید. با دیدن پرده، تیری به بال او زدند. خونی که از آن روانه شد، بر فرش دختر ریخت و فرش او سراسر قرمز شد و گویند از آنجاست که فرش ترکمن به رنگ قرمز درآمد.

«هودی» یا «لالائی مادران» جملات کوتاه و موزونی است که برای خواباندن و آرام کردن کودک توسط مادر یا دخترخانه خوانده می‌شود و بیانگر احساسات زنان خصوصاً احساس پاک مادر به فرزندش است.

«بالام سه نیشویه بین،  
فرزندم، تو را دوست دارم  
قیرمیزی گله بویا بین  
می‌خواهم میان گل‌های قرمز بزرگت کنم



قیرمیز گولونگ اسپین دان،  
اسیغاب اسیغاب دویابین  
می توان گفت رنگ قرمز جایگاه بالایی برای زن ترکمن دارد، او در خیال خود فرزند خویش را که عزیز است با رنگ قرمز بزرگ می کند و چرا رنگ دیگری به میان نمی آورد؟ رنگی که در اطراف اوست، با آن لذت می برد و رنگ زندگی و امید به حیات است، هم برای خود او که گویی با آن سیراب می شود و هم برای فرزندش که در میان گل‌های قرمز او را بیرواراند. به عقیده او، قرمز رنگ رشد، حیات، زندگی و سرزندگی است.

«نار آغاچا گول بیتر  
اوچ یاشینا باراندا  
سایرپ دوران دیل بیتر  
و هودی دیگری که اشاره به رنگ قرمز قالی و قرمز دانه دارد:

«آبادان (نامی برای دختران) بر بلندی نشسته، می خواند،  
و به افتخار ترکمن قالی می بافد،  
بر کوهپایه ها رد پای گورخران  
و در خانه ی کوچکترین برادر،  
گلی قرمز بر قالی!  
لالایی، لالایی، لا لا کن فرزند دلبندم.  
گل من، گلی که ماهی یک قالی می بافد،  
و در کناره ی قالی اش،  
جای ده سرانگشت اوست،  
در میان گل ها، به لاله می ماند  
به قرمز دانه می ماند.  
لالایی، لالایی، لا لا کن فرزند دلبندم». (بداعی، ۱۳۷۱: ۱۰)

### رنگ قرمز در محیط پیرامون ترکمن

محیط زندگی، آداب و رسوم، اعتقادات و مذهب، پیرامون او، همه و همه عواملی در جهت روی آوردن به رنگ قرمز هستند. منطقه ی سکونت اولیه ترکمن ها، بیابانهای خشک و بی آب و علف بود. رنگی که می توانست خود را در بین رنگ خاکی جلوه گر سازد، قرمز بود. این رنگ علاوه بر وضوحش در روز، در شب نیز درخشش خود را داشت. بعدها که ترکمن ها به مناطق سر سبز از جمله شمال و شمال شرق ایران مهاجرت کردند، رنگ قرمز همچنان در تناسب با سبزی محیط می توانست استفاده شود. از آنجا که سبز، رنگی سرد و قرمز رنگی به شدت گرم است و همینطور بنا به اصل قرار گیری رنگ های مکمل در کنار هم، این دو رنگ می توانستند با هم بیشترین نیرو را القا کنند.

همنشینی شایسته رنگ قرمز در کنار دیگر رنگ ها در بسیاری از صنایع دستی ترکمن به چشم می خورد. چه در البسه و بافته های گوناگون و چه در کانون ترکمن، یعنی «اوه». اوه یا «قره اوی» شامل اسکلت چوبی و پوشش روی آن است. اسکلت چوبی قره اوی از سه قسمت اصلی ۱- دیواره استوانه ای شکل (تارم)، ۲- چوبهای خمیده سازنده قسمت گنبدی شکل (اوق)ها و ۳- سقف (توی نوک) تشکیل شده است». (کسرائیان، ۱۳۷۰: ۵۸). خود پوشش اوه به رنگ های تیره است ولی نوار بافته ی قرمز رنگ حاشیه داری به عرض تقریباً ۵۰ سانتیمتر دور تادور «اوه» وصل می شود و گرمایی به داخل اوه می بخشد. در بسیاری از بافته ها، رنگ هایی چون سفید، سورمه ای، نارنجی و سیاه در کنار قرمز قرار می گیرند، آنچنان که یوهانس ایتن می گوید: «تنها با کنتراست سیاه است که آتش قرمز شراره سرکش و شیطانی خود را بالا می کشد». (ایتن، ۱۳۸۱: ۹۵)



«قرمز را می‌توان نماینده رنگ به طور کلی دانست زیرا زنده ترین همه رنگ هاست، یعنی بیشترین لرزش (ویبراسیون) را در چشم به وجود می‌آورد». (لنیگز، ۱۳۸۴: ۲۶۵-۲۶۴)

قرمز یعنی محرک، اراده برای پیروزی، قدرت، پیکار، رقابت و نشانه ای از مبارزه، انقلاب و شورش است، رنگی است که جنگجویان را بر می‌انگیزد و نماد خونی است که به هنگام پیروزی ریخته می‌شود. این چنین است که مردان ترکم با پوشش های قرمز رنگ در میادین جنگ به طور یکدست، حضور به هم می‌رسانند. رنگ قرمز قادر بود تا ابهت و قدرت هر چه بیشتر را در آن‌ها نشان دهد و باعث برانگیختن جنگجویان و افزایش وحدت، شورش، نیرو و توان در آن‌ها شود. «لباس قرمز قهرمانان در جنگها، نشانه مادی اشتغال به رزم است». (ایتن، ۱۳۸۱: ۹۳)

مردم ترکم قبایل مختلفی بودند که همانند سایر ایلات و عشایر کشورمان هر از چند گاهی برای بیلاق و قشلاق از جایی به جای دیگر کوچ میکردند تا جهت خود و دامهایشان سرزمینهای تازه ای بیابند. این نوع زندگی باعث شده بود که بیشتر اوقات آنها صرف عبور از مناطق مختلف آب و هوایی و آشنایی با طبیعت زیبا گردد. گاهی نیز بین قبایل و ایلات بر سر تصاحب این مراتع نزاعهایی در میگرفت که بعضی اوقات منجر به درگیریهای خونین و قتل و غارت قبیله ضعیف تر و تصاحب اموال و احشام و به اسارت گرفتن افراد قبیله میشد. این درگیریها برای افراد پیروز افتخار و سر بلندی و برای مغلوبین زندگی سخت و طاقت فرسا و اسارت و بر باد رفتن آرزوهای زیادی را به دنبال داشت. این طرز زندگی و روحیه معمولاً به رنگهایی گرایش پیدا میکرد که عامل آسایش روانی آنها باشد و هماهنگ با خوی و طبیعت آنها. و در هر دو صورت پیروزی و شکست بتواند نیازهای روحی آنها را برآورده کند و از طرفی هم دست رسی بآن آسان و ممکن باشد. در قسمت اول رنگ قرمز چون حالت دینامیک دارد و بیان کننده نیروی فراوان و هیجانانگیز و احساسات تند روانی میباشد و رنگ خون است و مبین پیروزی، فتح، نفوذ غلبه بر همه نوع مشکلات برای قوم پیروز و در یادآوری خاطرات انسانی نقش بزرگی بازی میکند و رنگی است زنده و گرم و مایه زندگی و حیات، استحکام، عشق، علاقه، شوق، اشتیاق فراوان برای قوم شکست خورده تسکین دهنده است.

رنگ قرمز نسبت به سایر رنگ ها، احساسات درونی و هیجانانگیزی را نشان می‌دهد و زنان بافنده ترکم برای بیان درونیات خود، آن را در بافته هایشان به کار می‌گیرند. مرسوم است که دختر ترکم فرشی را در زمان دختری خود می‌بافد و به عنوان جهیزیه به خانه ی بخت می‌برد. او برای ابراز عشق، آرزو، میل و اشتیاق درونی، پودهای قرمز را با انگشتان خود بر چله ها گره می‌زند و امید آن دارد که عشق تا ابد در زندگی او گره خورده بماند.

محققان بر این عقیده هستند که انسان به طور ناخود آگاه، بیش از هر رنگ دیگری، به رنگ قرمز از خود از حساسیت و عکس العمل نشان می‌دهد، لذا برای جلب توجه و دادن علامت و یا نمایاندن سریع تر و صریح تر چیزی از فواصل دور به کار می‌رود. فرد ترکم خصوصاً زنان، با پوشش های قرمز رنگ، این نیروی کشاندگی را تقویت و توجه چشم را به خود جلب می‌کنند. این رنگ را می‌توان در البسه ترکم از جمله چاپان، چارود، کوینک، چاشو، دستمال چانه بند، کلاه و سوزن دوزی ها مشاهده کرد. نمونه ای از کلاه های زنانه که امروزه فقط زنان «تکه» از آن استفاده می‌کنند، استوانه ای شکل است که قسمت بالای آن نسبت به پایین بازتر است. این کلاه را با پارچه ساده ابریشم قرمز می‌پوشانند که دارای دنباله ی دراز و چین داری است و چشم را در یک حرکت عمودی، متمرکز می‌کند. سپس کلاه را با زینت آلات نقره و یا نیم تاجی از جواهر زینت می‌دهند. قرارگیری زیور

۱- «چاپان عبارت از لباسی بلند است که تا روی پاها می‌افتد. چاپان عموماً از پارچه ضخیم پنبه [...] است و رنگ آن تار مخلوط به قرمز است و خطهای سیاه دارد». (کمالی، ۱۳۷۴: ۴۶۲)

۲- «زنان ترکم در زمستانها هنگامی که به مهمانی می‌روند از روپوشی به نام «چارود» (charved) استفاده می‌کنند. «چارود» از مخمل سبز یا آبی و یا قرمز دوخته شده. دورآستین، پایین دامن و جلوی آن سوزن دوزی می‌شود». (کمالی، ۱۳۷۴: ۱۲۰)

۳- «پیراهن زنان ودختران ترکم به وسیله خود آنان از پارچه های گلداز زرشکی، بنفش و سرخ و یا پارچه های بدون گل که طرح آن به صورت خطوط مستقیم است، دوخته می‌شود. این پیراهن دارای دامن دراز و گشاد بوده و «کوی نک» (koy nak) نامیده می‌شود». (کمالی، ۱۳۷۴: ۱۱۸-۱۱۷)

۴- «چاشو» (chasho)، چادر زنان ترکم است که گاهی به جای «چارقد» استفاده می‌شود.

آلات بر زمینه قرمز به خوبی آن‌ها را جلوه گر می‌کند. علاوه بر آن، طنین حاصل از برخورد زیورها، دیدگان را به جستجوی آن وا می‌دارد.

کودکان، زنان، مردان و اسب‌های ترکمن، همه از زینت با زیور آلات بهره می‌گیرند. زنان ترکمن از کودکی خود را با زیورهای نقره و طلا همراه نگین‌های رنگین از عقیق، یاقوت و یا سنگ‌های ارزان قیمت می‌آراستند. زیورها، امروزه بیشتر از مس و برنج ساخته می‌شوند.

زیور آلات ترکمن در اقسام و نام‌های بسیار، مصارف گوناگونی دارند و به واسطه آویز هایشان در هنگام حرکت طنینی حاصل می‌کنند که بخشی از فرهنگ آنان است. زن جوان ترکمن، آنگاه که آسیق را بر هر گیسوی بافته خود آویز می‌کند، با قدم هایش، منگوله‌های متصل به انتهای آن را به صدا در می‌آورد و ناخود آگاه دیده هر رهگذری را به سمت آسیق سوق می‌دهد و عقیق‌های قرمز روی آن، چشم را در سر تاسر آسیق به گردش در می‌آورند (تصویر ۱).



تصویر ۱- آسیق، زیورگیسو ترکمن (نگارنده)

«یراق» یا «اوورمه» نمونه دیگری از زیورآلات است که عبارتست از کمربندی سنگین با مفصل‌های نقره‌ای متصل به هم همراه با سگک که بر روی تسمه‌ای چرمی می‌نشانند ولی امروزه از پارچه استفاده می‌کنند. (تصویر ۲)



تصویر ۲- یراق، زیور ترکمن، (نگارنده)



یراق‌ها معمولاً قلمزنی یا کنده‌کاری و باسنگ‌های قیمتی، بیشتر عقیق جگری و گاهی فیروزه‌ای با گل‌های زرانود آراسته می‌شوند. چه رنگی بیشتر از قرمز عقیق می‌تواند با نقش گل که الهام گرفته از طبیعت و محیط پیرامون زندگی ترکمن است، هماهنگ باشد؟ عقیق که از بهترین نمونه‌های سنگ‌های شگرف طبیعت در موزه سنگ‌هاست، جدا از زیبایی افسونگر نقوشش که ما را محرمانه به خود می‌کشد و در کشف پیامهای سری و رمزهای آن بر می‌انگیزد، از نظر روانی و پزشکی حائز اهمیت است و در تماس با بدن می‌توانسته نیروی خود را القا کند، حال آنکه شاید فرد ترکمن از این ویژگی پنهانی آن بی‌اطلاع بوده است. شاید در کنار همه‌ی این عوامل گفته شده، وجود منابع اصلی رنگ قرمز یعنی قرمز دانه و به ویژه روناس در مناطق سکونت ترکمانان، در استفاده هر چه بیشتر از این رنگ تأثیر گذار بوده است. البته بعد از جنگ جهانی اول، رنگ‌های شیمیایی جایگزین رنگ‌های پخته و شفاف طبیعی شدند.

در ادامه، دیدگاه رهنما مبنی بر علل استفاده رنگ قرمز میان ترکمانان قبل و بعد اسلام و سنت حاکم بین ترکمانان اولیه است بیان می‌شود. ترکمن‌ها در قبل از اسلام، زرتشتی بودند. «زرتشت» یا «زرتشت» به معنای کسی که ردای بلند می‌پوشد و شتر سرخ مو دارد و معتقدند که زرتشت اصالتاً مروی است و حتی «اوستا» را به معنای «خانواده بخواه» گرفته شده از زبان ترکمنی می‌دانند، چون در زبان ترکمنی «او» به معنای «خانه» و «است» به معنای «خواستن» است. ترکمن‌ها قبل از اسلام، اعتقاد داشتند که رنگ قرمز نشان عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی است و برای دفاع، رنگ قرمز را باید داشته باشند. مناطقی که ترکمن‌ها زندگی می‌کردند (اطراف صحرای قره قوم و دامنه‌های کوپت داغ) بهار کوتاه بود و بیشتر از دو ماه طول نمی‌کشید، در نتیجه عمر گل‌های قرمز رنگ طبیعت اعم از لاله و شقایق کوتاه بود، بدین سبب این قوم سعی کرد که این رنگ را در صنایع دستی و در البسه خود استفاده کند تا رنگ‌های گل‌های بهار را در ۱۲ ماه سال داشته باشند. این قوم از گل‌های لاله و شقایق برای نامگذاری دختران هم استفاده فراوانی کردند (شقایق-گل‌آلک).

ترکمن‌ها بعد از اسلام در زمان خلیفه دوم، عمر، مسلمان شدند (قرن چهارم ه.ق) و مذهب سنی را پذیرفتند. بنا به اعتقادات مذهبی سنی‌ها، رنگ قرمز مربوط به ابوبکر است. زیرا ابوبکر باعث جلوگیری از خونریزی مسلمانان به خاطر وجود پیامبران دروغین شد. رنگ سفید را به عمر نسبت می‌دهند، چون در زمان خود عدالت واقعی را پیاده کرده است. رنگ سیاه مربوط به عثمان است چون کسانی که بر علیه عثمان قیام کرده بودند، پرچم سفیدی برافراشتند و خواهان عدالت زمان عمر بودند. وقتی از عثمان سؤال شد که برای متمایز شدن از مخالفین چگونه شناخته شوند، عثمان دستور برافراشتن پرچم سیاه را داد. رنگ سبز را رنگ مخصوص حضرت علی (ع) می‌دانند که او به دنبال صلح و آرامش در دنیای اسلام بود.

صنایع دستی ترکمن به ویژه قالی و قالیچه ترکمن زندگی کامل یک خانواده ترکمن است، زیرا در یک قالی تمام شادی‌ها، غم‌ها، راز و رمز زندگی خانواده ترکمن پیاده شده و تمام آرزوها و آرزوهای زمینی و آسمانی خود را در آن پیاده کرده است مثلاً قالی با «سرپلاس» یا «توبراق» به معنای «خاک» شروع می‌شود و به سرپلاس ختم می‌شود. این نشانی است از این که از خاک آفریده شدیم و به خاک بر می‌گردیم. بین این دو خاک را که زندگی کامل است در قالی به کار برده و زیبایی‌های زمین و آسمان را در آن پیاده کرده است. مثلاً: گل‌های قالی و قالیچه و پستی... .

به زبان ترکمنی، «گؤل» یعنی «برکه» و به معنای گل طبیعت نیست. در کنار این برکه، نقشه‌ای به نام «قرباغه» به کار رفته، این نشان دهنده خاستگاه محیط زندگی ترکمن است که شتری از آنجا گذشته ورد پایش گودی ایجاد کرده و در آن گودی، آب و باران جمع شده است و برکه‌ای تشکیل داده و در کنار آن قورباغه‌ای به طرف برکه روان است.

از دلایل دیگر کاربرد رنگ قرمز برای پارچه خصوصاً ابریشم، درخشندگی ابریشم است که قرمز، برایت آن را بیشتر می‌کند. ابریشم قرمز بوی عطر و ادکلن را بیشتر در خود نگه می‌دارد، ضمن آن که ابریشم بدن را زیاد گرم نمی‌کند. قرمز مانند مشکی گرمای آفتاب صحرا را خیلی در خود جذب نمی‌کند. (ن. رهنما. مصاحبه شخصی. ۱۳۹۶/۱۰/۴)

البسه و صنایع دستی ترکمن که به گونه‌ای رنگ قرمز در آن‌ها به کار رفته، خصوصاً گونه‌هایی که در مراسمی خاص به کار می‌روند، جایگاه ویژه‌ای در اعتقادات او دارند، از پیراهن عروس گرفته تا «باشماق»، و زیور آلات، پیراهن عروس که از حریر



سرخ که راه‌های سفید و زرد دارد، دوخته می‌شود، آنچنان که در چین نیز دختری که قرار است ازدواج کند، لباسی قرمز رنگ در بر می‌کند، چرا که قرمز برای چینی‌ها نماد زندگی تازه و آینده‌ای خوب و شاد است، روسری عروس به رنگ قرمز است که «کورتِه» نامیده می‌شود و در مراسم عروس کشان، قبل از سوار شدن عروس به ماشین، گلجه (زن برادر) داماد با گلجه عروس، روسری را به نشانه جدال ساختگی به یکدیگر پرت می‌کنند و سپس گلجه‌ی داماد روسری را بر سر عروس می‌اندازد. روسری قرمز نشانه‌ی خوشبختی بوده و مادر عروس مقداری آرد را به علامت سفید بختی به پیشانی عروس می‌ریزد. «آلانگی»، پیشانی بندی از پارچه‌ی سرخ گل‌داری است که دختران هنگام ازدواج بر پیشانی خود می‌بندند که می‌تواند بیانگر وفاداری و شروع زندگی همراه عشق باشد. (تصویر ۳)



تصویر ۳- پیشانی بند ترکمن که بر روی پارچه‌ی سوار می‌شود. (نگارنده)

در ادامه، اشاراتی به مفاهیم دیگر رنگ‌ها نزد قوم ترکمن داریم تا به ذهن در خصوص یافتن پاسخی در مطالعه‌ی رنگ قرمز ترکمن، باری رسانیم؛ در کنار رنگ قرمز، بررسی دیگر رنگ‌ها در هنر ترکمن، فرضیه‌های مفاهیم رنگ قرمز را قوت می‌بخشد: «زن ترکمن در جوانی پیشانی بند قرمز دارد که نشانه شادابی است. پیشانی بند در میانسالی به رنگ سیاه در می‌آید که علامت کار کشتگی و مجرب بودن است، و در مرحله پیری به رنگ سفید در می‌آید که نشانه کاملاً عاقل بودن است، وقتی زن این پوشش سفید را داشته باشد، نشانه آن است که نوه‌ی دختری اش را عروس کرده و برای نوه‌ی پسری اش عروس گرفته است.» (گلی، ۱۳۶۶:۳۱۹)

نقش و نگاره‌های به کار رفته در سوزن دوزی «تخیه»<sup>۱</sup>، که در سراسر آن تکرار شده، گردش نرم و استوار خطوط، درخشش و آمیزش هماهنگ رنگ‌ها، راهی از روزنه‌ی نگاه به دل بیننده می‌گشاید. چشم آدمی طالب نظم و آراستگی است و در این هنر، هر یک از رنگ‌ها نمادی خاص دارند. قرمز نماد عشق و پیوند و آبی نماد ایمان و اعتقادات مذهبی است و تمام صفات اخلاقی مثبت را در ذهن تداعی می‌کند (تصویر ۴).

۱- کلاهی نزد ترکمن. سوزن دوزی تخیه زنان نسبت به مردان، پر تفضیل تر است. دختران قبل از ازدواج، زیوری به نام «قبه» بر بالای آن می‌نهند.



تصویر ۴- تخیه به همراه قبه، (نگارنده)

«در میان عناصر بکار گرفته در فرش ترکمن آنچه که حائز اهمیت بیشتری می باشد و عمدتاً فرش ترکمن را از مابقی فرشهای اقوام دیگر متمایز می سازد رنگهای به کار گرفته شده در فرشهای این قوم می باشد. رنگهای به کار گرفته شده در فرش ترکمن همگی از پر قدرت ترین رنگهای موجود در طبیعت هستند. اساس هارمونی رنگ در هنر ترکمن بر رنگهای روشن استوار نیست. هنرمند ترکمن همواره رنگهای خود را از ناب ترین ترکیبات رنگی استخراج کرده که این خصیصه با در نظر گرفتن نقوش هندسی فرشها فضایی بسیار زیبا و دلپذیر را در نزد بیننده جلوه گر می کند. ترکیبات رمانتیک و خیالی در فرشهای ترکمن دیده می شود. هنرمند ترکمن از پنج رنگ سفید، سیاه، سبز تیره، قرمز تیره و نارنجی بیشترین استفاده را برده است و علیرغم محدودیتی که در انتخاب این چند رنگ تیره وجود دارد، توانسته است به بهترین وجه هنر خود را عرضه دارد و تنوع رنگی قابل ملاحظه ای بوجود آورد. بسیاری از کارشناسان علت این محدودیت رنگی را تنوع قلیل رنگ در طبیعت اقوام ترکمن می دانند. در بررسی دیگر با توجه به مواد رنگ ساز بکار گرفته شده از سوی این قوم مشخص می شود که دلیل این محدودیت بیشتر محدودیت تکنیکی در ساخت رنگ بوده است. اقوام ترکمن همواره سعی بر این داشته اند که در تولیدات خود از مواد قابل دسترس استفاده کنند و دلیل دیگر اصرار هنرمند ترکمن بر استفاده از همین چند رنگ محدود، وفاداری وی به هنر پیشینیان است». (زمان، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۴)

### نتیجه گیری

رنگ قرمز، رنگی هماهنگ با طبیعت ترکمن، بیان کننده آمال و آرزوهای زنان و دختران ترکمن و نماد فراق و جنگ و مصیبت های وارده بر این قوم در طی سده هاست. محیط و پیرامون زندگی ترکمن و به دنبال آن، مواد رنگ زای طبیعی که جلوه آن را در هنر ترکمن از جمله در البسه و فرش ترکمن شاهد هستیم، تاریخ پر فراز و نشیب ترکمن، جنگ و اسطوره ها و باورهایی که به دنبال آن شکل گرفته است و در ادبیات و اشعار و هودی-لالایی های مادران- نمود پیدا کرده است. در نهایت به کارگیری رنگ قرمز تبدیل به سنتی در این قوم شده است، آنچنان که در دنیای امروزی، رنگ های شیمیایی جایگزین قرمز دانه های گذشته شده است ولی همچنان این قوم سنت خود را در اکثر موارد حفظ کرده اند. هرچند که صنعتگران و هنرمندان معاصر ترکمن بخش قابل توجهی از تکرار این سنت را طبق عادت و بدون آگاهی از سرمنشأ آن ها در هنر خود پیاده می کنند.





### منابع

۱. اصغری. شیوا. (۱۳۷۹-۸۰). «بررسی نقوش صنایع ترکمنهای شمال خراسان». کارشناسی ارشد. پژوهش هنر. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲. ایتن. یوهانس. (۱۳۸۱). ایتن: عناصر رنگ. ترجمه: بهروز ژاله دوست. تهران: عفاف.
۳. بداغی. ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). نیاز جان و فرش ترکمن. بی‌جا: فرهنگان.
۴. حصوری. علی. (۱۳۷۱). نقش‌های قالی ترکمن واقوام همسایه. تهران: فرهنگان.
۵. زمان. شراره. (۱۳۷۶). «کاربرد نقشمایه‌های فرش ترکمن در طراحی پارچه». کارشناسی. طراحی و چاپ پارچه. دانشگاه هنر.
۶. قوجق. یوسف و محمود عطا‌گزلی. (۱۳۷۱). باپراق. بی‌جا: برگ.
۷. کنعانی. محمد امین. (۱۳۸۳). مقاله «ایرانیان ترکمن؛ نگاهی به گذشته و حال». مجموعه مقالات مطالعات ایرانی (جلد ۷). تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۸. گلی. امین‌الله. (۱۳۶۶). سیری در تاریخ سیاسی اجتماعی ترکمن‌ها. بی‌جا. نشر علم.
۹. لینگز. مارتین. (۱۳۸۴). مقاله «معانی رمزی سه‌گانه رنگ‌های اصلی». جام نو و می‌کهن: مقالاتی از اصحاب حکمت جاویدان. ترجمه: محسن قائم‌مقامی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.